

## وقتی فقر ماشه را می‌کشد!



مجتبی اردشیری - آسیب‌ها > اجتماع

به‌نظر شما سطح نیاز کسی که کلیه می‌خرد با کسی که کلیه خود را می‌فروشد همسان است؟ کسی که اقدام به خرید کلیه می‌کند عموماً بیماری است که بدنش دیگر به دیالیز جواب نمی‌دهد اما کسی که کلیه می‌فروشد چه کسی است؛ فردی مانند نادر سیاه‌بیشه (در فیلم هیچ) که بدنش هر 6 ماه یکبار یک کلیه اضافه تولید می‌کند؟ چه کسی حاضر می‌شود یکی از کلیه‌های خود را بفروشد تا به پول برسد؟ نگاهی به آمار می‌اندازیم اما باید قول بدهید که با خواندن این آمار ناراحت نشوید و فقط تامل کنید. طبق آمارها بالغ بر 35 درصد مردم ایران با انواع بیماری‌های مربوط به کلیه دست و پنجه نرم می‌کنند. وقتی این بیماران به مرحله دیالیز می‌رسند، هزینه‌های هنگفتی متوجه خانواده‌های آنها می‌شود و اگر بیماری از این فراتر برود و دیالیز هم جواب ندهد، کار به پیوند کلیه می‌رسد خریداران کلیه دو گروه‌اند، گروه اول آنها که به‌دلیل عدم استطاعت مالی در انتظار کسی هستند که دچار مرگ مغزی شده و خانواده‌اش رضایت دهند تا اعضای بدن فوت شده‌شان به‌صورت رایگان در اختیار سایر بیماران قرار بگیرد و دسته دوم کسانی هستند که کلیه می‌خرند. این دسته دوم، خود به دو گروه تقسیم می‌شود: گروهی که طبق روال قانونی از مراکز درمانی کلیه می‌خرند و گروه دیگر که به‌صورت آزاد اقدام به خرید کلیه می‌کنند. گروه اول که کلیه مورد نظر خود را از مراکز درمانی می‌خرند 5 میلیون تومان می‌پردازند، اما گروه دوم که از تمول بیشتری برخوردارند و جوصله انتظار ندارند، کلیه را به‌صورت آزاد تا مبلغی میان 10 تا 15 میلیون تومان خریداری می‌کنند اما حال ببینیم چه کسانی حاضر می‌شوند کلیه خود را بفروشند. طبیعی است که در وهله اول، گروهی از بستگان برای پیوند کلیه خود با بیمارشان پیشقدم می‌شوند. اما طبق آمارها اکثر کسانی که به فروش کلیه روی می‌آورند را جوانان 18 تا 35 سال تشکیل می‌دهند.

ترس را به راحتی می‌توان در چشمان این افراد دید. کسانی که حتی از یک سرنگ می‌ترسند حالا باید تحت آزمایش‌های پزشکی قرار بگیرند تا معلوم شود به فشار خون، کوچک یا بزرگ بودن حجم کلیه، داشتن کیست و سنگ کلیه مبتلا نیستند. تازه بعد از انجام این آزمایش‌هاست که کلیه از بدن آنها خارج می‌شود. قاعدتاً، کسی از سرگیری کلیه نمی‌فروشد اما این دلیل نمی‌شود که فرد یا خانواده‌ای به خاطر نداری دست به این اقدام بزنند؛ وقتی در عنوان جوانی مجبور می‌شوی، شب‌هایت را با کابوس بدنی با یک کلیه پشت سر بگذاری

### تا کجا بایست تاب آورد

بسیاری از افرادی که به فروش کلیه روی می‌آورند انسان‌هایی هستند که حتی خانواده‌هایشان نیز از این موضوع بی‌اطلاعند. آنها در تنهایی خود رنج بسیاری می‌کشند تا درد نداری آنها را کسی از آشنایان متوجه نشود چشمانش سراسر تردید است. اگر کلیه‌اش را بدهد، سلامتی‌اش به خطر می‌افتد و اگر هم این کار را نکند، هزینه دخترش را چگونه سر و سامان دهد؟ اصغر 43 ساله است. دست‌هایش پینه بسته. او می‌گوید: هیچ کدام از اعضای خانواده‌ام نمی‌دانند که من می‌خواهم چنین کاری انجام دهم. به آنها گفته‌ام برای بنایی به یکی از شهرهای اطراف، می‌روم. قبلاً آزمایش‌ها را انجام داده‌ام و طبق تشخیص دکترها، خارج کردن کلیه از بدن من مشکلی ندارد اما راستش را بخواهید دچار تردید شده‌ام. من بنا هستم و جنه‌ام هم ضعیف است. اگر این کار را انجام دهم، مابقی عمرم را چه کار کنم؟ دیگر نمی‌توانم مثل الانم کار کنم، پس نان زن و بچه‌ام را از کجا دریاورم؟ اگر هم این کار را نکنم هزینه دخترم را چگونه تهیه کنم؟ باور کنید تا حالا چند تا از خواستگاران دخترم را به‌دلیل نداشتن پول هزینه رد کرده‌ام، اگر این یکی را از هم از دست بدهم دخترم را کسی به خانه بخت نمی‌برد. نمی‌دانم چه کار کنم

لیلا 27 ساله است. می‌گوید: شوهرم معتاد نیست اما کارهای مثل انسان‌های معتاد است. یک سال بعد از عروسی ما، به خاطر عدم تمکن مالی شوهرم به هر دری زدم تا برایش شغلی پیدا کنم اما موفق نشدم. تازگی‌ها معلوم نیست از چه کسی شنیده که پافشاری می‌کند باید کلیه‌ام را بفروشم. او حتی مرا تهدید می‌کند. من هم بعد از کلی جنگ و جدال، قبول کردم. می‌ترسم. بوی بیمارستان و الکل را که احساس می‌کنم، می‌ترسم. کاش در این دنیا تنها نبودم. کاش پدرم زنده بود که بتوانم از شوهرم طلاق بگیرم و پیش او بروم

اما دیدن یک پسر امروزی با سر و وضع به اصطلاح اسپرت، بیش از هر چیز توجه را به‌خود جلب می‌کند. او خود را نریمان با جدیت حرف می‌زند. او می‌گوید: خانواده‌ای را پیدا کرده‌ام که حاضر است. نریمان، 20 ساله معرفی می‌کند

برای یک کلیه‌ام 10 میلیون تومان پول نقد بدهد. من با خودم گفتم می‌توانم با یک کلیه زندگی کنم و این پول را در بانک بگذارم. اگر 4 سال این پول در بانک باشد تقریباً دو برابر می‌شود. تا آن موقع من، هم لیسانسم را گرفته‌ام و هم خدمت سربازی‌ام را رفته‌ام. این مقدار پول در آن زمان بیشتر از هر چیز دیگری به درد من می‌خورد. دکتر علی افغری، فوق تخصص بیماری‌های کلیوی در این زمینه می‌گوید: هر کسی برای فروش کلیه خود دلیل به ظاهر موجهی دارد اما آنچه در همه این افراد واضح است این است که، تمامشان قبل از انجام این عمل پشیمان می‌شوند اما به خاطر نیاز مالی و اینکه پولشان حلال باشد به این کار روی می‌آورند. اگر میل و رضایت حقیقی خود شخص پشت انجام چنین کاری باشد، کاری قانونی است اما باز هم با فرهنگ انسانی هیچ جامعه‌ای همخوانی ندارد که بخواهی جزئی از بدنت را در قبال پول بفروشی.

#### درد را از هر طرف که بخوانی باز درد است

آنچه خواندید، درد آدم‌هایی است که می‌خواهند مرهمی بر درد خانواده باشند اما درد، درد است و برایش فرقی نمی‌کند که به خاطر زخم شمشیر باشد یا زخم آبرو؛ هر دوی این انسان را ناراحت و مغموم می‌کند. دکتر افغری در خاطره‌ای دردناک می‌گوید: 2 سال پیش زنی جوان برای تهیه پول عمل جراحی شوهرش، کلیه‌اش را فروخت. خانواده‌ای که کلیه آن زن را خریداری کرده بودند، بعد از شنیدن احتیاج زن به پول عمل همسرش، فردای عمل نزد او آمده و کمی بیشتر از آنچه توافق کرده بودند به وی پرداختند. زن پس از ترخیص از بیمارستان، هر اسان نزد من آمد و گفت یک موتوری، کیفش، که تمام پول‌ها در آن بوده را دزدیده. من فقط مانده بودم چه چیزی بگویم. در آن لحظه آرزو می‌کردم هیچ‌وقت این حرفه را انتخاب نمی‌کردم تا اینچنین روحم پاره پاره نشود.

درد را از هر طرف که بخوانی باز درد است؛ چه برای آنهایی که آن‌را به جان می‌خرند و چه برای کسانی که آن‌را مشاهده می‌کنند. چه بسا دیدن این دردها برای ما، سنگین‌تر و دردناک‌تر از صاحب درد باشد. وقتی شیشه انسانیت بخار می‌گیرد و به هیچ طریقی نمی‌توانی این بخار را پاک کنی، اینجاست که درد تو چند برابر کسی می‌شود که به خاطر شرافت خود یا به اجبار خانواده، ترسان و لرزان به بیمارستان می‌رود تا کلیه خود را بفروشد. اصغر با همان دستان پینه‌بسته، با چهره‌ای مضطرب، روی تخت خوابیده و پرستاران، تخت او را به سمت اتاق عمل هدایت می‌کنند.